ساز و سفر

پرواز از پاگودا (بخش۱)

حامدالماسی

ویپاسانا قبل از هرچی یه تکنیک مراقبه است، راهی از یه دالون تاریک به درون. اونجا اما روشنیه و شناخت و روبه‌رویی، روبه‌رویی با دنیایی در خود که شاید تابه‌حال زیر هزارها سخن و انبوهی از اطلاعات ناهارمونیک ذهنِ مدرن دفن شده.

گفتن از یـه تجربه جدید معنـوی همون‌قدر جذابه کـه البته نگفتنش، نگهداری رازگونه‌اش و حس غرور خاص‌بودنش. به توصیه معلمان معنوی، گفتن از تجارب کاملا شخصی جایز نیست، چون اعتقاد بر اینه که هر فردی با تجارب به‌خصوص خودش مواجه می‌شه و با ندونستن تجربه ناب‌تری پیش روشه. هرچند این یادداشت، بخش‌های قابل گفتنه اون تجربه‌ست!

سکوت توی ویپاسانا، اگه مهم‌ترین اصلش نباشه، یکی از مهم‌ترین‌هاست. اونجا یه سکوت همگانی توصیه می‌شه، یک سکوت ناب: سکوت زبان، چشم و بدن، برای ۱۰ روز کامل. ارتباط چشـمی و حتی یادداشت‌برداری هم مجاز نیست.

یادم میاد تا روز نهم یادداشت‌نویسـی ممنوع را بـه هزار زحمت رعایت کردم. همیشـه یه متن یا یه پادکسـت رو برای خودم متصور بودم که از این اتفاق بنویسـم با عنوان «پـرواز از پاگودا» یا چیزی شـبیه این. روز آخر، دفتر یادداشتم رو درآوردم، خودکاری ورداشتم و کمی از ذهن پرسخن و پُر ایده‌ام رو بر قلم آوردم. حقیقتا کمی آرام شدم، اما کاری کردم که توصیه نشده بود و این یه اعترافه.

ویپاسـانا رو در دسامبر ۲۰۲۳ تجربه کردم در شهر لومبینی، زادگاه بودا در کشـور نپال و حوالی مرز هندوسـتان، اما در اوایل مارس ۲۰۲۴ روز نوشتن از ویپاسانا رسید و این یادداشت رو کامل کردم.

پاگودا سـلولی بود یک در دو، تاریک، خنـک و کمی نمور، عین چیزی که در فیلم‌ها از سـلول‌های زندان‌ها دیده بودم. کل ماهیت ویپاسـانا رو می‌شد با زندان یکی دونسـت، حتی گاهی زندان‌تر! در زندان حرف میشه زد و ورقی بازی کرد مثلا، شـاید گاهی حتی صدای موزیک از رادیو هم به گوش برسـه. ویپاسـانا اما سـکوت بود و تمرین دقیق انجام‌ندادنِ هیـچ‌کاری! و اگه باور می‌کنین، این یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست.

پاگودا برای من اما تعبیری از پیله بود که شبیه زندانه برای پروانه! پروانه در پیله به بار می‌شـینه و می‌رسـه و اگرچه پروازی مقطعی و کوتاه داره که خاصیت وجودیه این دنیاست، اما معنای زندگی رو در اوج زندگی می‌کنه.

همه‌چی در ویپاسـانا بر نظـم و روتین اسـتواره. از بیدارباش چهارونیم صبح تا رفتن به خواب در نه‌ونیم شـب. غالب این زمان بیداری با مدیتیشـن می‌گذره. روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت نشستن و مراقبه‌کردن. گاهی مراقبه جمعی و گاهی روبه‌رویی محض با خود، مراقبه تنهایی، یعنی ساعاتی در پاگودا. اونجا چشمتم اگه باز کنی چیزی پیدا نیست. هیچ نوری نیست، الا اگر خوش‌شانس باشی که نوری تو دلت بتابه و تاریکی فیزیکی رو حداقل برای دمی فراموش کنی. تاریکی سنگین و غلیظش رو!

ماهیت ویپاسـانا، همون‌طور که اولش اشاره کردم، روشنیه برای یادگیری و انجام اصولی و مؤثر مدیتیشـن برای تسلط بیشتر بر ذهن چموش. ویپاسانا یا در زبان سانسکریت ویپاشانا، روشی قدیمیه که اون رو به گوتاما بودا نسبت می‌دهند و تاریخچه‌اش به دو هزار و ۵۰۰ سال پیش برمی‌گرده؛ گرچه امروزه براسـاس تعالیم گوینکا طراحی و اجرا می‌شـه. کریا، متـا، آناپانا و... از دیگر روش‌های مدیتیشـن به حسـاب میان که در این مقال توصیف و تألیفشـون نمی‌گنجه.

گوینکا (۱۹۲۴-۲۰۱۳)، بنیان‌گذار مدرن این سبک از مراقبه، خودش یه روز از سردردهای وحشـتناک میگرنی پاش به این نوع مراقبه کشیده می‌شه، به توصیه یک دوست آگاه البته.

گوینکا در پی کسب این تجربه و رخت‌بربستن میگرن شدید برای همیشه، تصمیم می‌گیره که این روش تعمق در وجود رو همگانی کنه و در سال ۱۹۶۹ پایه‌های این سبک و تبلیغ اون رو بنا می‌ذاره.

درحال‌حاضر مراکز ویپاسـانا (داممـا)، به‌جز ایران و چند کشـور دیگه، در اکثر کشـورهای دنیا فعال هستن و محدود به کشـورهای آسیای جنوبی نمی‌شـه. این دوره‌ها از هند آغاز شـدن و بعد از میانمار و نپال و کشورهای بودایـی و هندو مذهب، به دیگر کشـورهای جهان از جملـه اروپا و آمریکا گسترش پیدا کردن. امروزه افراد بسیار زیادی در سکوت این دوره‌ها می‌نشینن و آرامش و تجارب ناب اون رو تجربه می‌کنن.

با تمام دشواری این چند روز، به همون نسبت سختیش، دریافت‌ها عمیق و فراوانن. این دوره برای مبتدی ۱۰ روزه‌سـت، هرچند برای افرادی که قصد تکـرار اون رو دارن دوره‌های ۱۴ روزه، ۳۰ روزه و ۴۵ روزه هم پله‌به‌پله برگزار می‌شه.

برای حضور در این دوره پرداخت هزینه، اجباری نیست و صرفا در آخر هر دوره، جعبه‌ای برای نیاز (دهش) طراحی شده؛ هرکسی که توان و تمایل داره از این طریق می‌تونه کمکی به برپاموندن مرکز بکنه، برای برگزاری دوره‌های بیشتر و دانش‌آموزان دیگه.

پنج اصل برای دریافت بیشـتر از معنویات و اتصال عمیق‌تر در ویپاسـانا توصیه می‌شه. این اصول شـامل پرهیز از کشتن هر موجود زنده‌ای، پرهیز از دزدی، پرهیز از سـوءرفتار جنسـی، پرهیز از دروغ‌گویی و پرهیز از مخدرات و مسکرات می‌شه.

ویپاسـانا رو جور دیگـر دیدن، ژرف‌بینی، یا مشـاهده هم ترجمه می‌کنن. کلمه مناسب برای این مفهوم در زبان انگلیسی observe در نظر گرفته شده: مشاهده متفاوت بدن، نگریستن جوری دگر.

در ایـن تمرین‌ها، اگه به توصیه‌هـا و راهکارهای ارائه‌شـده کامل عمل کنیـم، می‌تونیم به نگاهی متفاوت از زندگی دسـت پیدا کنیم. چیز دیگه‌ای که توصیه می‌شه استمرار این تمرین پس از دوره و در زندگی روزمره‌ست.

زاینده‌رود در سکوت جان می‌دهد

عاطفه علیـان: زاینده‌رود، رودخانه‌ای کـه زمانی نماد زندگی و تمدن در قلب ایـران بود، اکنون با خشک‌سـالی‌ها، بحران‌های آبی و سـوءمدیریت‌های پی‌درپی مواجه اسـت. ایـن رودخانه تاریخی که از زاگرس سرچشـمه می‌گیـرد و به تالاب گاوخونی می‌ریزد، نقش مهمی در تأمین آب شـرب، کشـاورزی و صنعت مناطق مرکزی ایران، به‌ویژه اسـتان اصفهان ایفا کرده است، اما اکنون زاینده‌رود به یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیسـت‌محیطی و اجتماعی کشور تبدیل شده است.

عکس: آرشیو/ هانگی

تاریخچه حکمرانی آب در زاینده‌رود

به گفته حسن کریمی، استاد تاریخ و حکمرانی منابع آب، حکمرانی آب در ایران به‌ویژه در حوزه زاینده‌رود ریشـه در تاریخ دارد. او می‌گوید: «در گذشـته، جوامع محلی با کمک نهادهای مدنی و سازوکارهایی مثل طومار شـیخ بهایی، تقسیم آب را براساس شرایط موجود و به صورت دینامیک انجام می‌دادند. این سیسـتم بسیار پیشرفته و کارآمد بود زیرا به طور پیوسته به تغییرات اقلیمی و حجم آب موجود واکنش نشان می‌داد».

نهادهای مدنی در تقسیم آب

یکی از ویژگی‌های حکمرانی سـنتی آب در زاینده‌رود، انتخاب نمایندگان مناطق مختلف برای مدیریت منابع آبی بود. کریمی ادامه می‌دهد: «تا اوایل دهه ۵۰ شمسـی، ۳۳ نماینده از ۳۳ سهم مناطق مختلف به همراه نماینده حکومت برای تعیین میراب‌ها و سـرکیش‌ها مسئولیت داشتند. این نظام به طور پویا براساس حجم آب موجود، آب را بین مناطق مختلف تقسیم می‌کرد».

این سیسـتم حکمرانی کـه تا پیش از انقلاب اسـلامی ایران پابرجا بود، توانسـت بحران‌های مختلفی مانند خشک‌سـالی‌ها و سـیل‌ها را مدیریت کند. اما با تغییرات سیاسـی و اجتماعی پس از انقلاب، این سیسـتم به‌تدریج جـای خود را به یک نظام متمرکزتر و کمتـر انعطاف‌پذیر داد که براساس تخصیص‌های استاتیکی عمل می‌کرد.

تغییرات اقلیمی و سوءمدیریت‌ها

یکی از دلایل اصلی خشک‌شـدن زاینده‌رود، تغییرات اقلیمی و کاهش بارش‌هاسـت. به گفته محمدرضا عباسـی، کارشناس منابع آب در وزارت نیرو، «از سال ۱۳۷۸ به بعد، بارش‌ها در حوضه آبریـز زاینده‌رود به طور درخورتوجهی کاهش یافته اسـت. این کاهش بارش‌ها به همراه افزایش برداشت‌ها از منابع آبی، وضعیت زاینده‌رود را بحرانی کرده است».

عباسـی همچنیـن تأکید می‌کند که مدیریت نادرسـت و تخصیص‌های اسـتاتیک بدون توجه به شـرایط اقلیمی از دیگر عواملی اسـت که بحران زاینده‌رود را تشـدید کرده است. او می‌گوید: «تخصیص‌های آب براسـاس میانگین‌های بلندمدت هیدرولوژیک و بـدون درنظرگرفتن تغییرات اقلیمی انجام شـده است. این تخصیص‌ها نه‌تنها به نیازهای روزافزون جمعیت پاسخ نداده، بلکه باعث تخریب بیشتر منابع آبی شده است».

تخصیص‌های استاتیکی و ناکارآمدی نظام مدیریتی

عباسـی به نکته مهمی اشـاره می‌کند: «از اوایل دهه ۸۰، نظام مدیریتی تخصیص آب در ایران به صورت متمرکز و اسـتاتیک طراحی شد. این نظام به جای پویا بودن و توجه به تغییرات سالانه و اقلیمی، تنها براساس میانگین‌های گذشته تخصیص آب را تعیین می‌کند». در این سیستم، سهم استان‌ها و مناطق مختلف از زاینده‌رود براساس شرایط «نرمال» سال‌های گذشته تعیین شده است. عباسی می‌گوید: «در سال‌هایی که بارش‌ها کمتر از حد معمول است، این تخصیص‌های استاتیکی دیگر کارایی ندارند و مشـکلاتی نظیر خشک‌سالی و بی‌آبی را تشدید می‌کنند». یکی از چالش‌های اصلی، نبود رصد متمرکز و به‌روز شرایط اقلیمی و آبی است. «هیچ مکانیسمی برای نظارت دقیق بر تغییرات اقلیمی و بازنگری تخصیص‌ها براساس‌آن وجود ندارد. این باعث می‌شود در سال‌های خشک‌سالی، تخصیص‌های آب به صورت اشتباه و ناکارآمد باقی بماند».

بارگذاری‌های غیرمجاز و توسعه ناپایدار

یکـی از عوامل مهم در بحران زاینـده‌رود، بارگذاری‌های غیرمجاز در حوضه آبریز این رودخانه اسـت. به گفته مهدی سـلطانی، اسـتاد مهندسـی منابع آب در دانشـگاه تهران، «توسعه‌های ناپایدار در بالادسـت زاینده‌رود، به‌ویژه در اسـتان چهارمحال‌وبختیاری، باعث افزایش برداشت‌ها و کاهش آب‌دهی زاینده‌رود شـده است». براساس آمار ارائه‌شده از طرف سلطانی، توسعه باغات و زمین‌های کشـاورزی در بالادسـت رودخانه، بدون توجه به ظرفیت‌های آبی منطقه انجام شده اسـت. او می‌گوید: «حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب برای توسـعه باغات بادام و گردو در استان چهارمحال‌وبختیاری برداشـت می‌شـود. این حجم از آب‌برداشـت‌ها، به‌ویژه در سال‌های خشک باعث می‌شود حتی آب شرب اصفهان نیز تأمین نشود».

بارگذاری‌ها در بالادست و بحران آب

براساس گزارش‌های مختلف، بارگذاری‌های جدید در بالادست زاینده‌رود شامل موارد زیر است:

- توسعه کشت و برداشت آب در سرشاخه پلاسجان (۲۰۰ میلیون مترمکعب)
- توسعه باغات در استان چهارمحال‌وبختیاری (۵۰۰ میلیون مترمکعب)
- انتقال آب به یزد (۶۰ میلیون مترمکعب)
- انتقال آب به دلیجان، کاشان و نطنز (۲۰ میلیون مترمکعب)

سلطانی تأکید می‌کند: «این حجم عظیم از برداشت‌ها در بالادست زاینده‌رود حتی در سال‌های با آب‌دهی نرمال هم بالغ بر ۵۰ درصد کل آب‌دهی رودخانه اسـت. در سال‌های خشک‌سالی، این برداشت‌ها به بیش از ۸۰ درصد می‌رسد».

چالش‌های قانونی و نبود بازنگری در تخصیص‌ها

یکی از چالش‌های مهم در بحران زاینده‌رود، بازنگری‌نکردن دوره‌ای و پیوسته در تخصیص‌های آب اسـت. به گفته زهرا احمدی، متخصص حقوق محیط زیست، «طبق قانون، اولویت تخصیص آب بایـد به شـرب، محیـط زیسـت، حقابـه‌داران و در نهایت کشـاورزی اشـتراکی اختصاص یابد. اما در عمل، این اولویت‌ها نادیده گرفته شده است».

احمـدی توضیـح می‌دهد: «بـا توجه بـه تغییـر اقلیم و دوبرابرشـدن جمعیت مصرف‌کننده آب شـرب از سـال ۱۳۶۱ تاکنون، باید تخصیص‌های قدیمی بازنگری شـوند. اما متأسفانه این بازنگری‌ها انجام نمی‌شود و پروپاگاندای رسانه‌ای نیز باعث سانسور این موضوع می‌شود».

او همچنیـن به مشـکلی دیگر در این زمینه اشـاره می‌کند: «کشاورزان اشتراکی، به‌ویژه در زیرحوضه پلاسجان و نواحی بین سد و پل کله، همچنان به برداشت آب ادامه می‌دهند. در سال‌های خشک، این برداشت‌ها به حدی زیاد است که حتی آب شرب نیز به مناطق پایین‌دست نمی‌رسد».

راهکارها و آینده زاینده‌رود

راهکارهای متعددی برای حل بحران زاینده‌رود مطرح شـده اسـت، امـا اجرای این راهکارها نیازمند هم‌اندیشـی و همکاری همه ذی‌نفعان است. رضا نعمتی، کارشناس ارشد مدیریت منابع آب، معتقد است که «راهکارهای فعلی بدون درنظرگرفتن همه جنبه‌های بحران کارآمد نخواهند بود».

او پیشـنهاد می‌دهد: «یکـی از مهم‌ترین راهکارها بازنگـری در تخصیص‌های آب و ایجاد یک سیسـتم دینامیک و منعطف برای مدیریت منابع آبی است. این سیستم باید بتواند به طور سالانه و با توجه به شرایط اقلیمی، تخصیص‌های آب را بازنگری کند».

نعمتـی همچنین بـر اهمیت بازچرخانی آب و اسـتفاده از روش‌های کشـاورزی مدرن مانند هیدروپونیـک و ایروپونیـک تأکید می‌کند. او می‌گوید: «اگرچه تغییر روش‌های کشـاورزی سـنتی نیازمند سـرمایه‌گذاری‌های کلان است، اما در بلندمدت می‌تواند به حفظ منابع آبی و جلوگیری از تخریب بیشتر رودخانه کمک کند».

اهمیت همکاری منطقه‌ای و ملی

یکی دیگـر از راهکارهای مهم، ایجاد یک همکاری فراگیر بین اسـتان‌ها و بخش‌های مختلف اسـت. نعمتـی به ایـن موضوع اشـاره می‌کنـد و می‌گوید: «بـدون هماهنگی بین اسـتان‌های بالادسـت و پایین‌دسـت، راه‌حل‌های ارائه‌شـده نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. اسـتان‌هایی مانند چهارمحال‌وبختیاری و اصفهان باید در مدیریت منابع آب همکاری داشـته باشـند و سیاست‌های توسعه‌ای خود را با توجه به منابع آبی موجود هماهنگ کنند».

این همکاری نه‌تنها باید در سـطح استان‌ها انجام شود، بلکه نیاز به مدیریت جامع و ملی برای کنترل برداشـت‌ها و نظارت بر مصرف آب دارد. برای این منظور، پیشنهادهایی مانند ایجاد شورای مدیریت حوضه آبریز زاینده‌رود با حضور نمایندگان استان‌های ذی‌نفع و کارشناسان مستقل مطرح شده است. این شورا می‌تواند مسـئولیت بازنگری دوره‌ای تخصیص‌ها و نظارت بر اجرای صحیح قوانین را بر عهده بگیرد.

استفاده از فناوری‌های نوین در مدیریت آب

فناوری‌های نوین در حوزه مدیریت منابع آب نیز می‌تواند نقش مهمی در حل بحران زاینده‌رود ایفا کند. مهدی ملکی، اسـتاد مهندسـی آب و خاک، پیشنهاد اسـتفاده از سیستم‌های هوشمند و فناوری‌هـای نوین را برای بهبود مدیریت منابع آبی مطرح می‌کند. او می‌گوید: «فناوری‌هایی مانند حسگرهای هوشـمند برای پایش سطح آب، سیسـتم‌های آبیاری قطره‌ای پیشرفته و تکنیک‌های تصفیه و بازچرخانی آب می‌توانند به بهینه‌سازی مصرف آب کمک کنند». استفاده از این فناوری‌ها، به‌ویژه در کشـاورزی، می‌تواند به میـزان زیادی از هدررفت آب جلوگیری کند. همچنین توسـعه پروژه‌های بازچرخانی و اسـتفاده مجدد از آب تصفیه‌شـده در صنایع و کشاورزی می‌تواند فشار بر منابع آبی طبیعی را کاهش دهد.

محیط زیست و حقابه تالاب گاوخونی

تالاب گاوخونی که مقصد نهایی زاینده‌رود اسـت، نقش بسیار مهمی در تعادل زیست‌محیطی منطقه دارد. این تالاب در گذشته زیستگاه بسیاری از گونه‌های حیوانی و گیاهی بود و به‌عنوان یک مخزن طبیعی برای کنترل سیلاب‌ها عمل می‌کرد. اما با خشک‌شدن زاینده‌رود، حقابه این تالاب نیز نادیده گرفته شده و این منطقه با خطر نابودی کامل مواجه است.

علیرضا حسـینی، کارشناس محیط زیست، هشدار می‌دهد «خشک‌شدن تالاب گاوخونی نه‌تنها باعث نابودی اکوسیسـتم این منطقه می‌شود، بلکه عواقب وخیمی برای کل منطقه مرکزی ایران دارد. ریزگردهایی که از بستر خشک تالاب برمی‌خیزند، می‌توانند منجر به بروز بیماری‌های تنفسی و افزایش آلودگی هوا در استان‌های اطراف شوند». برای حفظ تالاب گاوخونی، بازگرداندن حداقل حقابه زیست‌محیطی آن یکی از الزامات اصلی است. این حقابه باید به صورت دوره‌ای و با نظارت دقیق تأمین شود تا از خشک‌شدن کامل تالاب جلوگیری شود.

آینده زاینده‌رود

بحران زاینده‌رود نتیجه ترکیبی از عوامل مختلف اسـت: تغییرات اقلیمی، سوءمدیریت، توسعه ناپایدار و بارگذاری‌های غیرمجاز. حل این بحران نیازمند یک رویکرد جامع و چندوجهی اسـت که همه جوانب این مسئله را در نظر بگیرد.

بازنگـری در تخصیص‌های آب، اصـلاح نظام حکمرانـی آب، اسـتفاده از فناوری‌های نوین، توسـعه کشاورزی پایدار و همکاری بین اسـتان‌ها و ذی‌نفعان مختلف ازجمله راهکارهایی است که می‌تواند به بهبود وضعیت زاینده‌رود کمک کند. همچنین تأمین حقابه تالاب گاوخونی و حفظ اکوسیسـتم‌های طبیعی ایـن منطقه برای جلوگیری از پیامدهای زیسـت‌محیطی بحرانی اهمیت زیـادی دارد. در نهایـت زاینده‌رود نه‌تنها یک رودخانه اسـت، بلکه نمـادی از زندگی و تمدن در منطقه مرکزی ایران اسـت. حفظ این رودخانه به‌عنوان یک میراث ملی، وظیفه‌ای همگانی است که نیازمند اقدام فوری و تصمیم‌گیری‌های دقیق و علمی است.

جمعیت دانش‌آموزی از سال ۱۴۰۸ نزولی می‌شود

سـخنگوی وزارت آموزش و پـرورش جمعیت دانش‌آموزی کشـور را حـدود ۱۷ میلیـون نفـر اعلام کـرد و گفـت: تعداد دانش‌آموزان تا سـال ۱۴۰۸ تقریبا ثابـت خواهند ماند اما پس از آن و تا سال ۱۴۱۲ دوباره به عدد ۱۲میلیون‌و ۷۰۰ هزار نفر کاهش خواهد یافت. علی فرهادی در نشست خبری اظهار کرد: در سال ۹۲ جمعیت دانش‌آموزی کشـور ۱۲ میلیون نفر بود درحالی‌که اکنون نزدیک ۱۷ میلیون نفر است.

تعداد دانش‌آموزان تا سـال ۱۴۰۸ تقریبا ثابت خواهند ماند و تغییـر چندانی نخواهد کرد اما از سال ۱۴۰۸ به بعد و تا سـال ۱۴۱۲ دوباره به عدد ۱۲میلیون‌و ۷۰۰ هزار نفر خواهد رسـید. او با بیان اینکه در یک دهه گذشته بیش از ۲۴ هزار مدرسه در کشور سـاخته شده اسـت، گفت: در سال ۹۲ جمعیت دانش‌آموزی کشـور ۱۲ میلیون نفر بود درحالی‌که اکنون نزدیک ۱۷ میلیون نفر است.

فرهـادی دربـاره تمهیـدات وزارت آموزش و پرورش بـرای تأمین زیرسـاخت‌ها و فضاهای آموزشی اظهار کرد: از سـال ۹۲ تاکنون ۲۴هزارو ۱۵۰ مدرسه ساخته شده که شامل ۱۱۷هزارو ۶۱۸ کلاس درس است.

فرهادی با بیان اینکه برای حوزه آموزش باید به تعداد و جنسـیت و پایه تحصیلی دانش‌آموز توجه کرد، اظهار کـرد: در آموزش و پرورش باید سـه عنصر در کنار هـم دیده شـود؛ عنصر اول تعداد دانش‌آموزان است که به جنسیت‌های دختران و پسران و پایه‌های تحصیلی برمی‌گردد، عنصر دوم معلم و نیروی انسـانی است که باید تأمین باشد و سوم تأمین فضای آموزشی است.

سـخنگوی وزارت آمـوزش و پـرورش یکـی از مهم‌تریـن برنامه‌های این وزارتخانه را تأمین معلم ماهر و توانمند براساس سـند تحول بنیادین دانسـت و درباره تأمین فضای آموزشی نیز گفت: در یک فضای آموزشی بانشاط باید پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین فضای ورزشی و آزمایشگاهی انجام شود.

او با بیان اینکه اسـتخدام از طریق ماده ۲۸ آموزش و پرورش یک امر قانونی است، بر بومی‌گزینی معلمان برای کاهش نقل و انتقـالات تأکید کرد و گفت: در ماده ۲۸ بحث بومی‌گزینی مطرح نیسـت و هرکـس که در این آزمون در هر اسـتانی قبول شـود، باید بپذیریم؛ درحالی‌که افراد به طور معمول پس از اسـتخدام درخواسـت نقل و انتقال می‌کنند. سـخنگوی وزارت آموزش و پرورش درباره ثبت‌نام‌نکردن فرزندان در مدارس دولتی گفت: ۱۷ میلیـون نفر در مدارس دولتی و غیردولتی ثبت‌نام می‌کنند که از این میان حدود ۱۶ میلیون نفر در مدارس دولتی هستند. او افزود: امسـال دوره ثبت‌نام افزایش یافته است و برخی از مدارس هم مانند شـاهد و نمونه‌دولتی با شرایط خاص ثبت‌نام می‌کنند و از سـوی دیگر مدارس به دلیل محدوده جغرافیایی فقط می‌توانند در محدوده‌بندی مدارس ثبت‌نام کنند.

گزارش خبری

مرگ سالانه ۴۰۰۰ نفر به دلیل خودکشی در کشور

معـاون فرهنگـی و اجتماعـی فراجـا معتقد اسـت خودکشـی یکی از فاجعه‌بارترین رفتارهای خاص نوع بشـر اسـت. سـردار سـعید منتظرالمهدی در یادداشـتی که بـه مناسـبت روز جهانی پیشگیری از خودکشی به نگارش درآورده و در اختیـار رسـانه‌ها قـرار داده اسـت، نوشته: «خودکشـی رفتار مهلک و یکی از فاجعه‌بارترین رفتارهای خاص بشر است که در آن، آدمی از سر تعمد در پی ستاندن جـان خویش و پایان‌بخشـیدن به زندگی برمی‌آیـد. حاصل این اقـدام تباه‌کننده در کشـور ما، جان‌باختن سالانه بیش از چهار هزار نفر و آسیب‌دیدن شدید ۱۰ تا ۲۰ برابر این تعداد است».

منتظرالمهدی در ادامه این یادداشـت نوشـت: «پیامدهای ناگـوار چنین مرگ و آسـیبی، نه‌تنها متوجه قربانیان و خانواده آنـان، بلکـه معطـوف بـر جامعـه نیز می‌شـود. آنگاه که خبر مرگ کسـی بر اثر عمل خودکشی نشر می‌یابد، روح انبوهی از شـهروندان جامعـه آزرده می‌شـود و شـمار زیادی از آنان در برابـر چنین مرگ فاجعه‌آمیـزی در غم و اندوهـی جانکاه فرومی‌رونـد. از همیـن روی، چاره‌ای باید اندیشید و برای پیشگیری از وقوع آن تدبیر عالمانه‌ای کرد. ناگفته پیداسـت که برای پیشـگیری از پدیده خودکشـی، ناگزیر باید چندوچون و علل وقوع آن را بازشناخت».

دلایل خودکشی چیست؟

سخنگوی فراجا اضافه کرد: «پرشمارند اندیشـمندان و عالمانی کـه درباره علل خودکشی و رفتارهای خودکشی‌گرا سخن گفته‌اند. امیل دورکیم، جامعه‌شـناس، در صدر عالمانی است که به‌گونه‌ای روشمند و علمی از خودکشی سخن گفته است. او از سه نوع خودکشی نام برده؛ هنجارگسستی (آنومیک)، خودخواهانه و نوع‌دوسـتانه. به زعـم او آنگاه که پیوند فـرد و جامعه به سـبب عواملی همچون ازدست‌دادن شـغل، رکود اقتصـادی و زوال ارزش‌ها، دسـتخوش تلاطم می‌شـود، یا پیوند فرد بـا هم‌نوعانش کاهش می‌یابـد، احتمال دست‌یازیدن به خودکشی فزونی می‌یابد. اما آسیب‌شناسان روانی، خودکشی و اقدام به خودکشـی را از منظر بیماری شناختی تبیین می‌کنند. آنان شـواهدی به دسـت داده‌انـد که نشـان می‌دهد فروشـدن در اختلالات روانی، به‌ویژه افسردگی اساسی، بیش از هر عامل دیگری احتمال خودکشی را افزایـش می‌دهـد؛ زیرا افراد افسـرده درمان‌نشـده نه‌تنها از زندگی و مواهب آن لـذت نمی‌برند، بلکه روز بـه روز در غم و اندوه و استیصال فرومی‌روند، به‌گونه‌ای که چاره را در سـتاندن جان خویش می‌بینند. اما این همه ماجرا نیسـت؛ چون در میان افرادی که مبادرت به خودکشـی کرده‌اند، افرادی را نیز می‌توان نشـان کرد که بدون آنکه دوره‌های مزمن افسـردگی را تجربه کرده باشـند، اقدام به خودکشی کرده‌اند. آنچه این افراد را به سوی خودکشی سوق داده، «فقدان تـاب‌آوری در برابر ناکامی» بوده اسـت. گویـی به اینان یـاد نداده‌ایم که در شـرایط پرتلاطم حاصل از شکست شـغلی یا عشـقی، تحصیلی و...، هیجان خـود را مدیریت کننـد و ارزشـمندترین سـرمایه خویـش، یعنی جان‌شـان را به مهلکه نیندازند».

او در ادامـه نوشـت: «آنچـه از همه مهم‌تر اسـت، ارتباط با منبـع لایزال الهی و تقویت و اسـتمرار آن اسـت کـه یقینا امید بـه زندگی افزون می‌شـود. حُسـن ظَن بـه یزدان مهربان، صبر، اسـتقامت و کنترل خشـم از راهکارهای پیشگیرانه این رفتار خودتخریبی اسـت. برای پیشگیری از خودکشـی افزون بر شـناخت «عوامل سبب‌سـاز» باید «عوامل انگیزشی» آن را نیز بازشـناخت. مطالعات نشـان داده‌اند عوامل انگیزشی خودکشی پرشمارند، اما از آن میان دو عامل برجسـته‌تر هستند؛ یکی از آن عوامل «پایان‌دادن» اسـت و دیگری «انتقـام». انگیـزش اول در کسـانی دیده می‌شـود که مدت‌زمان زیادی دستخوش رنج و اندوه فـراوان بوده و نتوانسـته‌اند چـاره‌ای بـرای آن رنـج و غم و شـرایط استیصال‌آمیز خود بیابند و اینک خودکشی را چاره ناچار آن یافته‌اند. اما انگیزش دوم مخصوص کسانی است که می‌خواهند با مرگ خود از دیگران به خاطر ستمی که به آنان روا داشته‌اند «انتقام» بگیرند؛ انتقام از راه تحمیل احساس گناه و شرمساری و رنج پایان‌ناپذیر بر دیگران.

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۰۶۹۰ مورخه ۱۴۰۳.۰۶.۰۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم لیلا صارم بخشایش فرزند عبدا علی بشماره شناسنامه ۴۵۷۷ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۳۷.۹۵ متر مربع پلاک ۲۳۹۵ اصلی مفروز و مجزی شده از واقع در بخش ۱۰ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۳۱۱۵ اداره ثبت اسناد و املاک رودکی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۰۴۸۳ مورخه ۱۴۰۳.۰۴.۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد عشاق فرزند حسینعلی بشماره شناسنامه ۱۶۵۹ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۸.۴۲ متر مربع پلاک ۲۲۶۹ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده واقع در بخش ۱۰ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۱۳۱۱۳ اداره ثبت اسناد و املاک رودکی